

آلزایمر، دمانس، فرسایش مغز، Dementia و گزینش معادل فارسی

دمانس یا فرسایش مغز چیست؟

دمانس طیف وسیعی از بیماری‌های پیش رونده مغزی را در بر می‌گیرد. این بیماریها در اثر از بین رفتن سلول‌های مغزی به دلیل رسوب مواد زائد در اطراف آنها بوجود می‌آید. بسته به اینکه تخریب سلول‌ها در کدام قسمت مغز و در اثر رسوب چه ماده‌ای صورت گیرد، بیماری‌های متفاوتی در زیر چتر دمانس بوجود می‌آیند. دمانس از نوع آلزایمر، دمانس لوی‌بادی، و دمانس فرونتوتیمپورال مجموعاً بیش از ۸۰ درصد دمانس‌های غیر قابل برگشت را شامل می‌شوند.

با از بین رفتن سلول‌ها، توان انجام وظایف توسط مغز به تحلیل می‌رود و عوارض مختلف بیماری بروز می‌نماید. این عوارض در ابتدا خفیف بوده و ممکن است برای اطرافیان بیمار زنگ خطر بحساب نیایند. در مراحل پیشرفته‌تر بیماری، زمانی که تخریب سلولی به قسمت‌های بیشتری از مغز سرایت کرده باشد، عوارض بیماری کاملاً قابل مشاهده بوده و بیمار به مراقبت مستمر نیاز پیدا می‌کند، نیازهایی مانند کمک در انجام کارهای روزانه، غذا خوردن، لباس پوشیدن، بهداشت فردی، حمام کردن، راه رفتن، و غیره از این جمله اند.

بیماری آلزایمر نوعی دمانس است

بیماری آلزایمر شایع‌ترین نوع دمانس است که بیش از ۶۰٪ بیماران را شامل می‌شود، به عبارت دیگر حدود ۴۰٪ مبتلایان دمانس، به بیماری آلزایمر مبتلا نیستند. در بیماری آلزایمر، سلول‌های قسمت مربوط به حافظه جزو اولین دسته از سلول‌هایی هستند که از بین می‌روند. در نتیجه، اولین عارضه بیماری آلزایمر فراموشی است. سایر انواع دمانس در بخش‌های مختلف دیگری از

مغز بروز می‌کنند و عوارض اولیه آنها ممکن است فراموشی نباشد. ولی، نهایتاً در دمانس پیشرفته، در اثر فرسایش سلول‌های بخش‌های بیشتری از مغز، همه بیماران از نظر عوارض و شواهد، مانند یکدیگر می‌شوند.

سابقه تاریخی واژگان دمانس در غرب

در قرون گذشته، معنی رایج واژه دمانس، جنون بوده است. به این دلیل که بیمار در مرحله پایانی و زمانی که از کار افتاده و در همه امور وابسته به دیگران بود، به پزشک مراجعه می‌کرد. دلیل دیگر این بود که در آن زمان، علم پزشکی شناخت دقیقی از این بیماری نداشت و فقط با شواهد بارز و سطحی بیماری، و آن هم در مرحله پایانی آن که خیلی دیر شده بود، روبرو می‌شد.

تعاریف جدید دمانس که از تحقیقات یک قرن گذشته بهرمنند است، به علائم دقیق‌تری در برداشت و تعریف آن پرداخته و نهایتاً به حقیقت فیزیکی آن که تخریب سلول‌های مغز می‌باشد رسیده است. امروزه بیماری‌های زیرگروه دمانس که تعداد آنها متجاوز از یکصد نوع است، جزو بیماری‌های فرسایش سلول‌های عصبی مغز بحساب می‌آیند، بزبان انگلیسی: neurodegenerative diseases یا بیماری‌های اضمحلال برنده عصبی.

دمانس و فرهنگستان زبان و ادب فارسی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژگان زوال‌عقل را به عنوان معادل فارسی دمانس برگزیده است. با توجه به گسترش بیماری‌هایی که در زیرگروه دمانس قرار دارند و تشخیص بهتر نمونه‌هایی از آن مانند دمانس فرونتوتمپورال که در ابتدای آن حافظه از بین نمی‌رود، و یا شکل‌های دیگری که در آن قضاوت و عقلانیت در ابتدای بیماری سالم می‌ماند، روشن است که گزینش این

واژگان با مفهوم علمی دمانس مطابقت ندارد. این عدم تطابق برای بیمار و خانواده او، خصوصاً در زمینه‌های اجتماعی، حقوقی، و مکالمات بین افرادی که به هر نحو با بیمار در ارتباط هستند، می‌تواند مشکلات زیادی ایجاد نماید. علاوه بر این، واژگان زوال‌عقل از نظر لغوی بار منفی دارد که اطلاق آن به این بیماران جایز نیست.

به همین دلایل، پروژه دردآشنا در بدو شروع در سال ۱۳۹۵، طی نامه ای به فرهنگستان، دلایل خود را در زمینه نامناسب بودن این گزینه ارسال کرده و تقاضای تجدید نظر نمود. ما در پروژه دردآشنا، واژگان فرسایش‌مغز را که معادل مفهوم امروزی دمانس در زبان‌های زنده دنیا بوده و درک آن برای بیماران و خانواده آنها آسان است برگزیدیم.

در انتخاب جایگزین واژه‌ها، به ریشه بیماری توجه کنیم نه به عوارض آن

دمانس ریشه پاتو فیزیولوژیک دارد. سلول‌های مغز به دلایل بیولوژیک از بین می‌روند و مغز از نظر ظاهر فرسوده می‌نماید که علل آن توسط دانشمندان تحت تحقیق و بررسی گسترده می‌باشد. علم پزشکی در مسیری حرکت نموده که در انتخاب واژگان معرف هر بیماری، بجای استناد به عوارض آن، به علل زیر بنایی بیماری، (نه به عوارض آن)، توجه کرده است.

واژگان جایگزین دمانس در زبان فارسی در ایران

تفکر امروزه ما در ایران نیز توجه روشنی به عوارض دمانس در مرحله نهایی دارد. ما هنوز شاهد استفاده از واژگانی مانند جنون و محجور در مجامع حقوقی، و واژگانی چون زوال‌عقل و خردسودگی در گفتار و نوشته‌های روزمره هستیم. از طرفی، این واژگان متأسفانه دارای بار لغوی منفی است که منجر به انگ‌گزاری بر روی این بیماران می‌شود. از طرف دیگر، این گونه

واژگان گمراه کننده بوده و فقط به جنبه‌های محدود بیماری، آن‌هم در مرحله پایانی آن اشاره می‌کند. در حالی که بعضی از انواع دمانس ممکن است سالها طول بکشد تا به مرحله پایانی برسد و بیمار ممکن است بتواند پس از تشخیص، سالها به زندگی پر بار و تقریباً مستقل خود ادامه دهد.

همچنین، استفاده از واژگان اختلالات شناخت و حافظه بجای دمانس نیز گمراه کننده است. بیماری آلزایمر با فراموشی شروع می‌شود ولی گروه‌های دیگری از انواع دمانس، با عارضه فراموشی آغاز نمی‌شوند. فراموشی نهایتاً در مرحله پایانی، بدلیل پیشرفت بیماری و سرایت فرسایش به تمامی قسمت‌های مغز، گریبان‌گیر همه بیماران خواهد شد. بعلاوه، اختلالات شناخت ممکن است حتی در زمان سرما خوردگی و تب نیز بروز نماید.

برای واژگان جایگزین، انتخاب ما باید دور از احساسات، واقع‌گرا، علمی، و فروتنانه باشد. در مقابل، مراقبت کردن از عزیزانمان باید در کمال عشق، وفاداری، و صمیمیت صورت پذیرد. فقط در این صورت است که می‌توانیم امیدوار باشیم که تحمل بار عوارض گسترده بیماری را که عزیزان ما را آزار می‌دهد آسان‌تر نموده و از بار منفی بیماری که به پنهان کردن آن مینجامد بکاهیم.